

بررسی اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت غیررسمی بر تعلیم و تربیت رسمی

نادر حسین پناهی (نویسنده مسئول)^۱، حسیبه جلالی (نویسنده همکار)^۲

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه کردستان

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان دیواندره، استان کردستان، دبیرستان شهید صیاد شیرازی دیواندره

naderhosainpanahi38@gmail.com

۰۹۱۸۳۸۱۸۱۳۱

۲- کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه پیام نور سنج

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان دیواندره، استان کردستان، دبستان شهید تندگویان دیواندره

hasibe.jalali@gmail.com

۰۹۱۸۱۷۳۲۹۶۶

چکیده

تقسیم بندی تعلیم و تربیت بر اساس رسمی و غیررسمی، از جمله مواردی است که در سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت کشور و اسناد بالادستی به آن اشاره شده است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت غیررسمی بر تعلیم و تربیت رسمی است. این مقاله جزء مقالات مروری بوده و روش پژوهش آن، تحلیلی توصیفی مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه ای بوده و برای گردآوری اطلاعات و داده ها به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه منابع و متون در دسترس است. نتایج کلی این تحقیق بیانگر آن است که تعلیم و تربیت غیررسمی مفهومی محدود به کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه این مفهوم و نهادهای وابسته به آن در نتیجه شکست سیستم های تربیتی رسمی ایجاد شده است تا بتوانند به تحقق اهداف و نقش هایی که برای سیستم رسمی در نظر گرفته شده است، کمک نمایند.

واژگان کلیدی: تعلیم، تربیت، رسمی، غیررسمی

۱- مقدمه

تعلیم و تربیت غیررسمی به عنوان بخشی از جریان تعلیم و تربیت از ابتدای تاریخ زندگانی بشر وجود داشته است. شاهد این مدعا آموزشی های گوناگونی است که والدین به فرزندان خود در زمینه های نحوه شکار، کشاورزی و نظایر اینها ارائه می کردند. اما باگذشت زمان دامنه این نوع آموزش ها گسترش پیدا کرده است، به گونه ای که امروزه عرصه تعلیم و تربیت غیررسمی حیطه های بسیاری از محافل دوستانه تا آموزش های رسانه ای و کارآموزی را در برمی گیرد (کاووسی لرد، و پروایی مریان، ۱۳۹۷).

از دلایل کم توجهی یا بی توجهی به قلمرو نهادهای تعلیم و تربیت غیررسمی ناشی از شدت و گستردگی حضور آنها در تمامی عرصه ها و صحنه های زندگانی آدمی باشد. چرا که امور گاهی همچون نور، اکسیژن و امثال آن از فرط و شدت حضور و به عنوان امری معمول، از منظر و مرعی دور می ماند. اما حاکمیت معمولیت و یا به تبع آن مغفولیت امور نمی تواند از عظمت، ارزش و دامنه تأثیرات گسترده آنها بکاهد. چرا که نهادهای تعلیم و تربیت غیررسمی کل عرصه زندگانی و حیات آدمی را تحت تأثیرات گوناگون خویش قرار می دهند و دامنه این تأثیرات و تنوع و گستردگی آنها به حدی است که آدمی در دامان آن نهادها متولد، در آنها و با آنها زندگی می کند، و در آنها و با آنها به زندگی خویش خاتمه می دهد. به عبارت دیگر، سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و نگون بختی آدمی، مرهون تأثیر نهادهای تعلیم و تربیت غیررسمی است.

نهادهای تعلیم و تربیت غیررسمی در کشورهای جهان بسیار متنوع و کثیرالانواع هستند که بررسی مبسوط آنها در کشورهای مختلف، خود نیازمند انجام مطالعات و تحقیقات بسیار گسترده و پر دامنه‌ای است. در ایران نیز بالغ بر یکصد نوع از نهادها و مراکز تعلیم و تربیت غیررسمی وجود دارند که دارای کارکردهای متنوع فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، سیاسی، علمی، آموزشی، بهداشتی، روان‌شناختی و نظایر اینها هستند که مطالعه مبسوط و گسترده چگونگی شکل‌گیری، تحول و توسعه این نهادها، مستلزم تشکیل پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و انجام مطالعات گسترده و گوناگونی است، تا امکان بررسی کارکردها و دستاوردهای آنها به نحو جامع‌الاطراف فراهم گردد (مرزوقی؛ حیدری، و کشاورزی، ۱۳۹۶، ص ۱۱-۱۲).

انسان به رشد و تکامل نیازمند است و این مهم توسط دیگر انسان‌ها و در میان جامعه انسانی انجام‌پذیر است. حاصل زیست بشر تاکنون این بوده است که: برای تعالی یافتن، جلوگیری از هدر رفتن و ضایع شدن توانایی‌ها و نیروهای عظیم و ارزشمند درونی، لازم است انسان تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد.

در قرآن کریم به طور متعدد تعلیم و تربیت به‌عنوان هدف بعثت پیامبر اسلام (ص) ذکر شده و اولین آیات نازل‌شده قرآن، آیاتی بودند که تعلیم و تربیت را تعقیب می‌نمودند.

تعلیم و تربیت یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌هایی است که طی یک فرایند نسل اول می‌کوشد تا قدرت آگاهی بعد از خود را در همه زمینه‌ها پرورش دهد و آنها را برای برخورد با مسائل گوناگون آماده سازد. تعلیم و تربیت به‌مثابه جریانی است که باید در کنار آموزش، دانش و قدرت تفکر را در فرد رشد دهد و تسلط او را بر محیط زندگی افزون کند. در طول تاریخ، تغییر و تحولات بسیاری در حوزه تعلیم و تربیت در جوامع مختلف صورت گرفته و تحت شرایط مختلف روش‌های متفاوتی اتخاذ شده است. با سیر تکامل تمدن‌ها و تغییرات آرام فرهنگ‌ها بسته به شرایط خاص هر جامعه، اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت نیز تغییر یافته است. تعلیم و تربیت یعنی بزرگ‌ترین مسئله‌ای که آدمی می‌تواند خود را وقف آن کند، هم با دنیای فعالیت‌های عملی و هم با دنیای اندیشه‌ها سروکار دارد. برای آنکه در فرایند تعلیم و تربیت، یک رفتار به‌گونه‌ای عاقلانه صورت پذیرد، مربی به تفکر در باره تعلیم و تربیت نیاز دارد. تفکر در این باره به ما در درک جریان‌های فکری، فهم طبیعت، اندیشه‌ها و زبانی که برای تبیین تعلیم و تربیت به کار می‌رود و نیز چگونگی تعامل آنها با امور عملی کمک می‌کند (قادری، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی، تعلیم و تربیت غیررسمی مفهوم جدیدی نیست، بلکه یک فرایند آموزشی است که در جوامع پیشین نیز وجود داشته است. شواهد زیادی برای اثبات این ادعا وجود دارد که تعلیم و تربیت غیررسمی یک مفهوم قدیمی با نام جدید است. در کشورهای جزیره اقیانوس آرام تعلیم و تربیت غیررسمی در سبک زندگی مردم تلفیق شده است (کیدریات^۱، ۲۰۱۲).

دغدغه تعلیم و تربیت معاصر باید تدوین چهارچوبی اساسی برای تدریس، انتقال مطالب، یادگیری و پرورش همه‌جانبه استعدادها و یادگیرندگان و اتصال و انسجام بازده و فرآورده‌های حاصل با شاخص‌ها و انتظارات عینی دوران زیست باشد. چشم‌انداز جامعه بشری آن است که همه مؤسسات به ارزش و ضرورت آموزش واقف شده و فارغ‌التحصیلان و خصوصاً نخبگان مراکز تحصیلی و تعلیمی در بازتولید هوشمندانه و استعمال کارآمد ذخائر و انباشته‌های نظری و عملی برای تجربه زندگی معنادار در حد خویش توفیق داشته باشند و بتوانند در میدان تحویل و جابه‌جایی مرزهای ترقی و تحکیم معیارها و دستاوردهای عدالت و صلح فراگیر و امنیت پایدار حضور یابند (نعمانی، ۱۴۰۲، ص ۱۳-۱۴).

بنابراین هدف از تدوین این پژوهش بررسی اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت غیررسمی بر تعلیم و تربیت رسمی است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم‌شناسی تعلیم و تربیت

برای تعلیم تعریف‌های مختلفی شده که بهترین آنها این است: تعلیم عبارت است از انتقال علوم و فنون و به‌طور کلی انتقال دانسته‌ها به فراگیر و متعلم. ولی این تعریف نیز خالی از نقص نیست.

معلم به وسیله زبان، کلمات و جمله‌هایی را به متعلم القاء می‌کند. این الفاظ از طریق گوش و قوه سامعه در اعصاب و مغز متعلم آثار مخصوصی می‌گذارند، و چون متعلم با معانی این الفاظ آشنا و مربوط است معانی و مفاهیم مزبور وارد ذهنش می‌شود، و به این وسیله به مقصود متکلم پی می‌برد و به مطالب آگاه می‌گردد، و به اصطلاح عالم می‌شود. در اینجا آن که عالم می‌شود و استعداد آگاهی خود را به فعلیت آگاهی تبدیل می‌سازد و نفس خویش را به کمال می‌رساند، نفس متعلم است. معلم مفاهیم و معانی علمی را از ذهن خودش به ذهن متعلم منتقل نمی‌سازد، بلکه در این مورد نقشی جزء سخن گفتن و القای الفاظ ندارد، به عبارت دیگر معلم با ادای کلمات زمینه را برای فهم و درک فراگیر فراهم می‌کند، و این استعداد تعلم و آموختن خویش را به فعلیت تبدیل می‌سازد و عالم می‌شود؛ بنابراین، در تعریف تعلیم می‌توان چنین گفت: تعلیم عبارت است از سخن گفتن و القای کلمات معنادار، تا متعلم به معانی آن الفاظ پی ببرد، و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فعلیت تبدیل می‌سازد و عالم شود (قادری، ۱۳۹۸).

تعلیم عبارت است از انتقال اطلاعات، علوم و تجربیات از مرجعی به مرجع دیگر به طوری که فهمیده و ادراک شده و بر مبنای هدفی مشخص باشد. با بازگو نمودن صرف یک مطلب، تعلیم حاصل نمی‌شود، بلکه زمانی تعلیم به صورت واقعی خود انجام شده است که همراه با ادراک مطالب باشد. منظور از اهداف در انتقال مطالب نیز معمولاً اهداف کلی، مرحله‌ای و رفتاری هستند. اکتفا کردن به بیان مطلب در تعلیم و عدم وجود ادراک در نظام آموزشی حاکم بر کشور، باعث مواجه شدن بی مشکلات عدیده و عقب ماندگی در عرصه‌های مختلف می‌شود (مشکاتی، ۱۳۹۸، ص ۱۹).

تربیت در اصل واژه‌ای عربی و معادل (Education) در انگلیسی است. در مورد ریشه این واژه دو دیدگاه در بین لغویون وجود دارد. برخی آن را از ماده «رَبَّ» و برخی دیگر آن را از ماده «رَبَّو» دانسته‌اند. این اختلاف در ریشه موجب اختلاف در معنا نیز شده است بدین بیان که اگر تربیت را از ماده «رَبَّو» بدانیم به معنای تربیت جسمانی و مادی بوده و اگر آن را از ماده «رَبَّ» (رَبَّ) مشتق بدانیم به معنای سوق دادن به سوی کمال معنوی خواهد بود. از این میان معنای اخیر مورد نظر این نوشتار است. اما این واژه در فارسی به معنای پرورش دادن، پروراندن، پروردن و اخلاق و ادب به کسی یاد دادن آمده است. در معنای اصطلاحی این واژه، تعاریف گوناگونی در کتاب‌های تربیتی وجود دارد و پژوهشگران در این باره به تعریف واحدی نرسیده‌اند، بلکه هر کدام با توجه به مکتب تربیتی که به آن تعلق دارند و بر اساس دیدگاه، بینش و نوع نگاه خود به تربیت (برخی بر اساس هدف تربیت، برخی بر اساس روش و برخی بر اساس تلفیقی از روش و هدف)، تعریفی را ارائه کرده‌اند.

افلاطون تربیت را فضیلتی می‌داند که کودک در آغاز کسب می‌کند و عبارت از تشکیل عادت‌های نیک و ابتدایی‌ترین احساسات، یعنی لذت و مهر و الم و کینه، به صورتی که خود به خود با عقل که بعد از آن در کودک پدید می‌آید، هماهنگ می‌شود. افلاطون، تربیت را نتیجه اعمال محیط و مربی و به نوعی شکوفاشدن استعدادهای ذاتی و از قوه به فعل درآمدن آنها ارزیابی می‌کند. جان دیویی نیز در تشریح تربیت، آن را دوباره ساختن یا تجدیدنظر در تجربه‌ها و تشکیل مجدد آنها به منظور اینکه این تجربه‌ها، معنی بیشتری داده و برای هدایت تجربه‌های بعدی فرد را بهتر آماده سازند، قلمداد می‌کند.

فارابی معلم ثانی تعلیم و تربیت را عبارت از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت می‌داند. چنان که ابوعلی سینا نیز تربیت را برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تلاش در شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان می‌داند. شهید مطهری نیز درباره تعریف تربیت چنین می‌نویسد: تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن به طور کلی، تعریفی که این پژوهش از تربیت به عنوان مبنا و محور در نظر می‌گیرد، عبارت‌اند از هر گونه فعالیتی که اشخاص یا نهادها به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار افراد، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهند. نکته مهم این است که در منابع و متون دینی لفظ تربیت کمتر به کار رفته و در این مورد از واژه‌های دیگری نظیر هدایت، رشد و در بیشتر موارد، تزکیه و تأدیب استفاده شده است (کرپاسیان، ۱۳۹۳).

۳- اهداف تربیت اسلامی از منظر قرآن کریم

هدف تعلیم و تربیت در اسلام رضای خدا و تقرب به ذات او و نزدیک شدن به کانون لایتناهی هستی است که با فزونی در ایمان و علم و حیات و اراده در جهت حرکت به سوی «الله» است. آن گونه که در نهایت، از مقام و مرتبه مخلص شدن درگذرد و به رتبه ای رسد که خداوند نیز با الطاف خاصه خویش، او را خالص گرداند. هدف غایی تربیت در اسلام سوق دادن مرتبی به سوی خداوند به عنوان کمال مطلق و قرب به سوی اوست. تا اینکه با متصف شدن انسان به اوصاف ربوبی و خداگونه شدن، شایستگی خلافت و جانشینی خداوند در روی زمین را کسب نماید. در مدل تربیتی اسلام، رضای خدا و یا اخلاص و تقرب به ذات او تنها یک شعار نیست، بلکه مظاهر و ابعادی دارد که در ذیل به آنها اشاره می شود: ۱- خودشناسی و حرکت انسان به سوی کمال: آدمی با درک عظمت وجودی خویش، هستی خود را با حقیقتی مطلق در ارتباط همیشگی و دایم می یابد؛ در نتیجه تلاش می کند تا به اصل کمال که همان خداوند متعال است، دست یابد. ۲- خدمت به خلق: عنایت به مصالح خلق و خدمت به مخلوق در مکتب اسلام بسیار تأکید شده است؛ چنان که شناسایی نیازهای جامعه و کوشش در جهت رفع آنها، تکلیف شرعی و واجب کفایی شمرده شده است. ۳- برخورد مسئولانه با جهان طبیعت: اسلام استفاده از طبیعت را در حد معقول و منطقی نه تنها منع نمی کند، بلکه از مؤمنان و مسلمانان می خواهد که سهم خود را از لذات دنیوی فراموش نکنند (حسینی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷-۲۱۰).

اهداف تربیت از دریای هدف غایی آن سر برآورده و در راستای رسیدن به آن هدف، زمینه ساز محسوب می شوند. از جمله هدف های کلی و زمینه ساز می توان به «تربیت بر پایه معرفت و ایمان به پروردگار یکتا» اشاره کرد. تربیت توحیدی و مبتنی بر فرهنگ قرآنی، آدمی را به مرحله احسن تقویمی هدایت می کند. این معرفت باید ایمان انسان را به مقام خلیفه الهی، امانت داری استحکام بخشد و وی را به عمل صالح که زینده مخلوق برگزیده است، تشویق کند. هدف غایی تربیت از منظر قرآن آن است که مقدمات حرکت و هدایت انسان را در صراط مستقیم، پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج وی را به مرحله کمال انسانی تسهیل سازد. اهداف غایی تربیت اسلامی از منظر قرآن به طور کلی عبارت اند از:

۳-۱- رشد و کمال

از مهم ترین و عمده ترین اهداف تربیت در قرآن، رسانیدن انسان به مرحله و جایگاهی است که شایستگی رسیدن به آن را دارد و حضرت حق، تبارک و تعالی امکان بالقوه رسیدن به این مقام را در وجود بندگان خویش قرار داده است. هدایت، راهنمایی، دستگیری و کمال بخشی انسان جریانی را تحت عنوان رشد و کمال به صورت همیشگی برای او رقم می زند. واژه رشد در قرآن کریم به معنای هدایت شدن به راه درست و صحیح و آنچه مدنظر خدای متعال بوده آمده است. اگرچه در برخی موارد نیز معنای رشد عقلی و قوه تمیز خوب از بد اراده شده است.

«رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هِیْئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (سوره کهف، آیه ۱۰)؛ بنابراین آیه اصحاب کهف از خداوند طلب لطف خاص خدا و رشد و هدایت کامل نموده اند. آنان از خداوند خواسته اند که شرایط کمال را برای آنان فراهم آورد و خداوند بهترین هدایت کننده و رشد دهنده بندگان می باشد. کلمه رشد در آیه ۱۸۶ سوره بقره «وَأَلِيْمُنَا بِی لَعَلَّهْمْ یُرْشِدُونَ» به معنای سعادت و دستیابی انسان به آنچه که کمال اوست به کار رفته است و در آیه ۱۴ سوره جن «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» اسلام به عنوان راه ثواب و رشد دهنده و کمال بخش مؤمنان مطرح گردیده است.

۳-۲- پرورش قوه تعقل

قرآن کریم همگان را دعوت به تعقل و تفکر و اندیشه ورزی نموده و برنامه های تعلیمی و تربیتی خود را برای احیاء عقل و بیدار نمودن و تحرک آن و فعالیت صحیح آن ارائه نموده است. قرآن کسانی که اهل تعقل و اندیشه ورزی نیستند را به شدت مذمت نموده است. قرآن تأکید و تصریح بر موضوع عقل و به کارگیری آن به عنوان ابزار رشد و معرفت نموده و یکی از اهداف اصلی نظام تربیتی خود را پرورش قوه تعقل و تفکر و استنباط صحیح اعلام داشته است.

۳-۳- پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت

پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت نسبت به خود و دیگران و تقویت روحیه دیگر خواهی یکی از اهداف تربیتی قرآنی به حساب آمده و آن را راهی برای رسیدن به رشد و کمال منظور داشته است. آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (ع) تأکید بر پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در قبال دیگران دارد. در آیات و روایات به ملکات و فضائل اخلاقی همچون حیا، حسن خلق، عفو، کظم غیظ، حلم، صبر، مدارا و سازگاری، نرمی و ملاطفت، تواضع، انصاف و عدالت، صلح رحم، اصلاح بین مردم و... که این موارد و دهها مورد دیگر بیانگر توجه قرآن و حضرات معصومین (ع) به پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در مؤمنان است.

۳-۴- ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح (نیت خاص)

قرآن کریم در سوره (اسراء، آیه ۸۴) می‌فرماید «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ». بگو: هر کس طبق روش و (خلق و خوی) خود عمل می‌کند. نیت و قصد قربت نقش کلیدی در پذیرش اعمال دارد، زیرا پاداش در مقابل خلوص نیت است. نیت عبارت است از رابطه عمل با روح، زیرا عمل ناشی از طلب روح است، نیت پاک، خود بالاتر از عمل صالح و بالاترین عمل است. نیت صالح موجب رشد و کمال و سعادت انسان می‌شود و نیت ناپسند سبب انحطاط و شقاوت او می‌گردد. نیت مهم‌تر از خود عمل است. چون نیت، روح را که حقیقت آدمی است تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که عمل تنها روی جسم و بدن اثر می‌گذارد و اساساً چیزی جز نیت نمی‌تواند سازنده حقیقت برتر انسان (یعنی روح او) باشد. در آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (ع) بر ایجاد نیت و ارادی کردن افعال و ارتقاء سطح کیفی نیت و قصد قربت از روی علم و تصمیم آگاهانه تأکید شده و از انجام دادن امور و کارهای تکراری و عادت گونه که بدون تعمق و تأمل و قصد قربت باشد پرهیز داده شده‌ایم.

۳-۵- اصلاح و تهذیب نفس

قرآن کریم می‌فرماید؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» رستگار و سعادتمند شد کسی که خود را تهذیب و تزکیه نمود. آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (ع) سفارش و تأکید فراوان بر اصلاح نفس و پرهیز از دنیاگرایی و معاصی و ترک شهوات و تمسک به تقوی و ورع داشته‌اند. حضرت محمد (ص) اصلاح نفس و مبارزه با آفات اصلاح نفس را بزرگ‌ترین مبارزه برای مؤمن دانسته و از آن به‌عنوان (جهاد اکبر) یاد می‌کنند و هدفمندی بعثت خویش را ظهور مکارم و ملکات اخلاقی و تربیتی مردم قلمداد نموده‌اند. اصلاح نفس، تزکیه و تهذیب نفس یکی از پله‌های اساسی و مهم رشد و کمال انسان است.

۳-۶- مبارزه با هواهای نفسانی

قرآن کریم می‌فرماید «نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (سوره یوسف، آیه ۵۳). نفس اماره شما را به گناه زیاد و بزرگ امر می‌کند مگر خداوند رحم و لطف کند. پاک کردن درون از صفات زشت و ناپسند و رهایی از آنها یکی از اهداف والای تربیتی است. نفس اماره و امیال نفسانی همواره یکی از موانع رسیدن انسان به کمال و رشد بوده است؛ لذا رهایی، از اینها نیز در زمره اهداف تربیتی است (علاءالدین، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳-۱۲۰).

۴- ابعاد تربیت اسلامی از منظر قرآن کریم

در تربیت از یک سو توجه به پرورش قوای جسمی است؛ زیرا بدن دارای ارزش و اعتبار است؛ چنان‌که به‌واسطه آن بسیاری از اعمال عبادی ترک و یا واجب می‌گردد. از سوی دیگر، تربیت متوجه قوای ذهنی از ادراک، حافظه، تداعی معانی، دقت، اراده، حتی تشکیل ذهن از طریق ایجاد رابطه و اتحاد میان محتویات ذهنی است. به‌گونه‌ای که جنبه‌های مربوط به آن متناسب و متوازن رشد کند. همچنین تربیت متوجه پرورش روان و عواطف است. در تربیت سعی بر این است که انسان خود را در قبال خود، آفریدگار خود، مردم و

طبیعت مسئول ببیند؛ روح و جسم او را به بالاترین پایه جمال و کمال ممکن برساند؛ موجبات تأمین آینده را برای او فراهم نماید، و او را به سویی بکشاند که مورد توجه و آمال جامعه و مکتب است؛ از این رو ابعاد گوناگون تربیت شکل می گیرد.

۴-۱- بُعد اجتماعی

در بُعد اجتماعی باید به تربیت افرادی همت گماشت که عضو مفیدی برای جامعه بوده، در طریق خدمت به اجتماع باشند. تربیت، انسان‌هایی پرورش می دهد، فداکار، ایثارگر، دارای اندیشه تساوی خواهانه، در طریق خدمت به خلق، در مسیر تکامل اجتماعی، انسان‌هایی که به خاطر دیگران آسایش و فراغ را بر خود محدود کرده، امکانات خویش را در راه نجات جامعه و هدایت دیگران صرف می کنند. همچنین تربیت زمینه را برای استفاده بهینه از اوقات فراغت و غنی ساختن زندگی فراهم می سازد. اسلام برای تربیت همه جانبه افراد کوشش و تلاش بسیار دارد و با به کار بردن شیوه تربیتی خاص تربیتی سعی دارد که از یک سو آنان را افرادی حق شناس و مسئول بار آورد و از سوی دیگر، ایشان را در برابر اجتماع بر اساس هم‌زیستی مسالمت آمیز و صلح و تفاهم قرار دهد. شیوه تربیتی اسلام در همه افراد به ویژه نسل جوان به گونه ای است که می کوشد آنان را در جنبه های مربوط به شرف و انسانیت و اصالت، خلوص و صفا، برادری و امانت، افرادی نمونه و معتدل بار آورد.

۴-۲- بُعد سیاسی

بُعد سیاسی سبب استقلال جامعه، بهره‌مندی همگان از آزادی‌های مشروع و زندگی آرام است. در روابط داخلی بر اساس صلح و صفا، تعاون و تکامل است و در جنبه بین‌المللی، تکیه بر حُسن تفاهم و هم‌جواری بر اساس صلاح و مشروعیت است. قوانین ارزنده، ارگان‌های اجرایی صالح و دستگاه‌های قضایی مؤثر در سایه تربیت پدید می آید. با توجه به شرایط خاص جوانان از لحاظ سنی و روحی و... نیز پاک و بی‌غل و غش بودن آنها و انگیزه مشارکت در سرنوشت سیاسی خود بازیگران عرصه‌های سیاسی از غفلت آنان برای پیشبرد مقاصد خود به گونه ای ناخوانمردانه سوءاستفاده می کنند. از این رو، برای تعیین سرنوشت سیاسی خود، باید در امور سیاسی حضوری فعال داشته باشند و در برابر جریان‌ها و حوادث، موضع درستی اتخاذ کنند که وصول به این مقاصد آگاهی و بینش و ایمانی قوی طلب می کند که باید مورد توجه والدین و مربیان قرار گیرد.

۴-۳- بُعد اخلاقی

در بُعد اخلاقی، فرد باید مبانی اخلاقی و فضایل رفتاری و وجدانی را بیاموزد و به آنها عادت کند، تا هنگام بلوغ و جوانی، الگوی زندگی‌اش باشد و بدون شک، فضایل اخلاقی، ثمره ایمان است. تربیت می تواند فرد یا افرادی ایده‌آل، نمونه و الگو به‌رورانند با به کار گرفتن شیوه‌های تربیت درست می توان انسانی، دارای فضیلت و مکارم اخلاق به وجود آورد. کسی که هوادار بشریت، خادم محرومان و مستضعفان، مددکار اجتماع، دوستدار حق و شرف و دارای کرامت و شرافت باشد. تربیت می تواند به انسان‌ها بیاموزد که چگونه پیوند خود را با خدای خویش محکم کنند و برابر حق خضوع و خشوع داشته باشند و چگونه به جلب رضای او بپردازند.

۴-۴- بُعد اعتقادی

مقصود از تربیت ایمانی و اعتقادی این است که کودک را با اصول ایمان و ارکان اسلام پیوند داده و اصول و مبانی شریعت را به او آموزش دهیم. اصول ایمان، حقایق ثابت و مسلم است. مانند ایمان به خدا و ملائکه و کتب آسمانی، انبیاء، معاد و... ارکان اسلام و نیز شامل عبادات بدنی و مالی است. اصول و مبانی شریعت، شامل تعلیمات و روش‌های عقیدتی، عبادی، اخلاقی، تشریحی، اجتماعی و سیاسی است (حائری، ۱۳۷۹).

۵- تعلیم و تربیت رسمی و تعلیم و تربیت غیررسمی

تعلیم و تربیت عبارت است از: فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن فراهم می‌آورد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت رسمی نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان (با تأکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی‌های فردی و غیرمشترک و نیز در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان این نظام شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را بر اساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند (سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۶).

اما در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تربیت رسمی بخشی از بخشی از فرایند تربیت است که به شکل قانونی، سازمان‌دهی شده دارای مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین، ضمن حفظ انعطاف‌پذیری (برحسب خصوصیات متریبان) در جهت آماده‌سازی متریبان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف، متناسب با نیازهای متنوع جامعه، طراحی و اجرا شده و پس از شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی به اعطای مدرک معتبر (گواهی‌نامه ناظر به موفقیت متریبان) در کسب این‌گونه شایستگی‌ها می‌انجامد. تربیت غیررسمی شکلی از فرایند تربیت است که در آن انواع شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مدام آن بر اساس نظام معیار اسلامی در جهت آماده‌سازی متریبان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازماندهی مشخص و از طریق تجارب روزمره و اختیاری متریبان مانند حضور در جمع خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون و مشارکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن، شرکت در مساجد و محافل مذهبی کسب می‌شود (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸).

تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی در کشور با دو نظام ارزشی متفاوت مواجه هستند. همین امر موجب شده تا تأثیر آموزش غیررسمی بر شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان بسیار بیشتر از آموزش رسمی باشد. باید جریان تربیت غیررسمی به رسمیت شناخته شده و مدیریت شود و جریان تربیت رسمی و غیررسمی همسو و یکپارچه گردد (منصوری، ۱۳۹۵).

تعلیم و تربیت غیررسمی به‌عنوان بخشی از ساختار کلی تعلیم و تربیت بخش مهمی از آموزش‌هایی را در برمی‌گیرد که می‌تواند به انطباق افراد با نیازهای روز جامعه کمک نماید و زمینه‌ساز یادگیری‌های مادام‌العمر آنان گردد و به‌معنای هر نوع اقدام آموزشی عمومی و نظام‌مندی است که معمولاً خارج از نظام آموزش رسمی انجام می‌شود و در آن محتوا، رسانه‌ها، واحد زمان، معیارهای پذیرش، کارکنان و امکانات و دیگر اجزای سیستم برای مخاطبان با شرایط خاصی انتخاب و انطباق داده می‌شود تا ضمن دستیابی حداکثری به مأموریت‌های یادگیری، محدودیت‌های سیستم به کمترین حد ممکن کاهش یابد و خارج از سیستم آموزش رسمی اتفاق می‌افتد و ارباب‌رجوعان و اهداف یادگیری مشخصی دارد و اغلب دربرگیرنده مهارت‌هایی است که به طور عادی کسب نمی‌شود و عمدتاً توسط عاملان اصلی بازار کار مشخص می‌شوند.

تعلیم و تربیت رسمی نوعی از تعلیم و تربیت است که برای مقاطع سنی خاصی برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود، در زمان و مکان خاصی اجرا می‌گردد، همچنین دارای برنامه ویژه‌ای است و اشخاص خاصی برای اجرای آن به‌عنوان معلم تعیین می‌گردند. تعلیم و تربیت رسمی در نهادهایی مانند مدرسه و دانشگاه انجام می‌گیرد و تعلیم و تربیت غیررسمی در خانواده و در نهادهایی که سرتاسر زندگی فرد را در برمی‌گیرد؛ مانند مساجد، فرهنگسراها، زیارتگاه‌ها، موزه‌ها، شبکه‌های مجازی، رادیو و تلویزیون، نمایشگاه‌ها، مراکز آموزش آزاد انجام می‌پذیرد.

تعلیم و تربیت غیررسمی از ابتدای تاریخ زندگی بشر وجود داشته است و والدین آن را به فرزندان خود در زمینه‌های مختلف همچون کشاورزی، شکار، صنعت و محافظت از خود در برابر هجوم دشمنان و حیوانات درنده ارائه می‌کردند؛ اما امروزه با توجه به عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات حیطه‌های بسیاری از مجالس دوستانه و شخصی تا آموزش‌های رسانه‌ای و کارآموزی را در برمی‌گیرد و

دامنه آن بسیار متنوع و وسیع تر از نهادهای تعلیم و تربیت رسمی شده است و شامل کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، گردهمایی‌ها و سمینارها و جلسات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، مطالعات مکاتبه‌ای، برنامه مطالعات در منزل، برنامه‌های خودآموز، آموزش ارتباطات جمعی و رسانه‌ها، تلویزیون یا رادیو، کلاس‌های آموزش آزاد است (مرزوقی، و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۴۰).

تعلیم و تربیت غیررسمی، هر اقدام آموزشی نظام‌مند است که خارج از نظام آموزشی رسمی انجام می‌شود که تفاوت‌هایی در اهداف، محتوا، چگونگی و نحوه ارائه با تعلیم و تربیت رسمی دارد و همچنین از نظر محیطی طبیعتاً فضایی غیررسمی، دوستانه و منعطف‌تری دارد و دربردارنده بسیاری از تجربیات یادگیری برای اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی است. این نوع از تعلیم و تربیت می‌تواند به افراد با انطباق بر نیازهای جامعه کمک کرده و زمینه آموزش مادام‌العمر افراد را فراهم کند (کاوسی لرد، و پروایی مریان، ۱۳۹۷).

تعلیم و تربیت رسمی، تعلیم و تربیتی «نهادینه» است که دارای سطح‌بندی‌های زمان‌دار بوده و از سلسله‌مراتب خاص برخوردار است، بر اساس یک برنامه درسی مشخص، و در مکان ویژه‌ای مانند مدرسه انجام می‌گیرد. نهاد «آموزش و پرورش» در کشور، متولی چنین تعلیم و تربیتی است؛ از این رو، فرایند متعارف یادگیری که در خلال مراودات روزانه و به وسیله بهره‌گیری از رسانه‌ها و یا فضای اجتماعی، و یا در کانون‌ها و مساجد صورت می‌گیرد غیررسمی است (سروش، ۱۳۸۶).

تعلیم و تربیت غیررسمی به‌عنوان یک فرایند بر مشارکت فعال ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تأکید دارد، جبران‌کننده اهداف تحقق‌نیافته تعلیم و تربیت رسمی است. در قبال نیازهای افراد پاسخگو بوده و فرصت‌هایی را برای یادگیری مهارت‌های تولیدی به‌منظور مشارکت مؤثر آنان در توسعه جوامع ارائه می‌نماید.

۶- مقایسه تعلیم و تربیت رسمی و تعلیم و تربیت غیررسمی

تعلیم و تربیت رسمی از بُعد اهداف درازمدت، عمومی و مدارک محور است، از نظر زمان‌بندی طولانی، مقدماتی و تمام‌وقت است، از بُعد محتوا درون‌داد محور و جذب ذی‌نفعان بر اساس چهارچوب استانداردها و شرایط ورودی است. از نظر نظام ارائه مبتنی بر مؤسسه مجزا از محیط زیست اجتماعی اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی با ساختار سخت‌گیرانه، معلم‌محور و منابع فشرده است. از نظر نوع کنترل دارای کنترل بیرونی و سلسله‌مراتبی است. اما تعلیم و تربیت غیررسمی از بُعد اهداف کوتاه‌مدت و بدون ارائه مدرک است، از نظر زمان‌بندی دارای دوره زمانی کوتاه، مستمر و نیمه‌وقت است. از بُعد محتوا برون‌داد محور و نیازسنجی ورودی مبتنی بر فعالیت‌های موردنظر ذی‌نفعان است، از نظر نظام ارائه محیط محور، رابطه مدارک، انعطاف‌پذیری، فراگیرنده محور و حفظ ذخایر قبلی است و از نظر نوع کنترل خودکنترل و مردم‌سالار است (مرزوقی؛ و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۴۰).

تعلیم و تربیت غیررسمی تا حدود زیادی با تعلیم و تربیت رسمی متفاوت است. تعلیم و تربیت غیررسمی می‌تواند طیف وسیعی از اهداف آموزشی را برآورده کند که ممکن است تعلیم و تربیت رسمی از تحقق آنها ناتوان است. طبق نظر سیمکینز^۱ (۱۹۷۷)، تعلیم و تربیت غیررسمی به‌عنوان جایگزین ارزان‌تری برای ارائه مهارت‌های موردنیاز سیستم اقتصادی به افراد در نظر گرفته می‌شود، در صورتی که تعلیم و تربیت رسمی این‌گونه نیست. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مشکلات مربوط به ترک تحصیل و بیکاری منجر به گسترش برنامه‌های تعلیم و تربیت غیررسمی شده است. به‌عنوان مثال، برنامه‌های آموزش مهارتی جوانان که توسط وزارت جوانان در جوامع روستایی مختلف فیجی^۲ ارائه می‌شود، سعی کرده است مهارت‌های قابل‌استفاده برای امرارمعاش را برای جوانان ارائه دهد.

تعلیم و تربیت غیررسمی برای اهداف توسعه‌ای و اصلاحی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن تعلیم و تربیت رسمی قادر به آموزش همه شهروندان خود نبوده است و یا بی‌سوادی یک مشکل اساسی در جامعه است. برای مثال در منطقه آسیا و اقیانوسیه، تعلیم و تربیت غیررسمی برای حمایت از همگانی‌سازی آموزش ابتدایی و برنامه‌های سوادآموزی استفاده می‌شود.

تعلیم و تربیت غیررسمی برای توسعه سوادآموزی تابعی و برای افزایش مهارت‌ها و شایستگی در فعالیت‌های مرتبط با شغل استفاده می‌شود. این ارتقای مهارت و ظرفیت‌سازی در بسیاری از کشورهای جزیره اقیانوس آرام یک واقعیت است. دانش به طور تصاعدی در

1. Simkins
2. Fiji

حال گسترش است و مهارت‌های جدیدی برای مدیریت استفاده از فناوری‌ها و اطلاعات جدید مورد نیاز است تا عملکرد بهتری داشته باشد.

همان‌طور که ایوانز^۱ (۱۹۸۳) بیان کرده است، تعلیم و تربیت غیررسمی نیازهای مردم را برآورده می‌کند - و ممکن است به آنها فرصتی برای یادگیری مهارت‌های مولد و مشارکت موثر در توسعه جوامع خود ارائه دهد. می‌تواند به جوامع روستایی در رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک کند. در تعلیم و تربیت غیررسمی به عنوان یک فرایند، تمرکز اصلی بر یادگیری و مشارکت فعال است. چندین نویسنده به شدت از تعلیم و تربیت غیررسمی به عنوان یک فرایند و تأکید بر «مشارکت» کنترل حمایت کرده‌اند. تعلیم و تربیت غیررسمی در رویکرد منعطف خود به عنوان یک فرایند می‌تواند در تسهیل برخی از مسائل زیست‌محیطی برای جامعه مورد استفاده قرار گیرد (کیدرایات^۲، ۲۰۱۲).

تعلیم و تربیت غیررسمی به عنوان یک موقعیت محیطی، فضا و جو غیررسمی را در انجام فعالیت‌ها ایجاد و ارزشمند می‌انگارد و انعطاف‌پذیری و غیررسمی بودن تعلیم و تربیت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد، چرا که اغلب شرکت‌کنندگان در این‌گونه برنامه‌ها افراد بزرگسال هستند؛ به همین دلیل، استفاده از روش‌های انعطاف‌پذیر تربیتی که در بردارنده فرایندهای تربیتی، روش‌ها، استراتژی‌ها و تکنیک‌های ویژه باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. باوری در میان پژوهشگران وجود دارد که تعلیم و تربیت غیررسمی نشان‌دهنده راه‌حلی برای جبران کمبودهای ناشی از تعلیم و تربیت رسمی و به عنوان نوش‌دارو به‌ویژه برای کشورهای جهان سوم، مورد نیاز است. تعلیم و تربیت غیررسمی به هرگونه فعالیت تربیتی و نظام‌مند سازمان‌یافته که خارج از چهارچوب سیستم مدارس رسمی به منظور تأمین انواع یادگیری برای زیر گروه‌های خاص در یک جامعه که شامل افراد بزرگسال و کودکان است، اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت غیررسمی در بردارنده انواع بسیاری از تجربیات یادگیری برای اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی با در نظر گرفتن شرایط محیطی و خاص آنان است (کاووسی لرد، و پروایی مریان، ۱۳۹۷).

۷- اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت غیررسمی

۷-۱- اثرات مثبت تعلیم و تربیت غیررسمی

- ۱- همسو و منطبق با آموزش‌های رسمی، ساختارهای قدرت حاکم را تقویت نموده و مانع هرگونه تحرک اجتماعی و رشد برنامه‌ریزی نشده می‌گردد.
- ۲- با تقویت توانمندی انسان‌ها باعث ایجاد تغییرات اجتماعی می‌شوند.
- ۳- منجر به تحول سطح آگاهی افراد و توسعه توانایی‌هایشان می‌گردد و سازگاری و انطباق آنها را برای تغییر زندگی شرایط خود و محیط را در پی دارد.
- ۴- موجب بهسازی نیروی کار، آماده کردن افراد برای اشتغال یا خوداشتغالی، بالابردن و به‌روزرسانی دانش افراد شاغل، بهبود آگاهی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی افراد و افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی می‌گردد.
- ۵- با توجه به اینکه افراد بر مبنای انگیزه‌های خود در مسیر یادگیری پیش می‌روند مفرح، شاد، متنوع و عاری از استرس و اضطراب است.
- ۶- زیرساخت‌ها و اساس آن برای اشاعه دانش و اطلاعات علمی و محلی برای تسهیم دانش در میان توده مردم است.
- ۷- تمرکز بر روی انتقال مطالب و کسب نتایج خاص است.
- ۸- فراگیرنده دارای آزادی عمل و حق انتخاب است.
- ۹- فرایندهای یادگیری مفرح، متنوع و عاری از هرگونه فشار و تحمیل است. جنبه کاربردی دارد.
- ۱۰- ارزشیابی محور است و به سنجش دستاوردهای عینی و آنی می‌پردازد.

- ۱۱- داوطلبانه است و افراد به نحو ارادی و داوطلبانه به سمت فعالیت‌هایی روی می‌آورند و آن را ترک می‌کنند. به ترجیحات شخصی افراد توجه می‌شود.
 - ۱۲- محتوا بر اساس نیازهای افراد تعیین می‌گردد.
 - ۱۳- دارای ساختار سازمانی و روش آموزش انعطاف‌پذیر است.
 - ۱۴- امکان آزمایش و خطا بیشتر است.
 - ۱۵- دارای طراحی منعطف و در حالت‌های مختلف هم‌نوا و سازگار شرایط گوناگون عمل می‌کنند. فراگیرنده محوری با رویکرد مشارکتی و حرکت از پایین به بالا ارائه محتوای مبتنی بر نیازهای محلی و غیرمتمرکز است.
- تعلیم و تربیت غیررسمی دارای ویژگی‌هایی همچون ساختاریافتگی محدود و اندک، مهارت‌گرا و تکلیف محور، انعطاف‌پذیری در زمان، معطوف به نیازهای آنی، غیرمتمرکز و محلی‌تر، دارای دستاوردهای آنی و محسوس، دارای روش‌های آموزشی منعطف‌تر، فراگیرمحوری، تجربی و عملی، فاقد شرایط سنی موجود در رویکرد آموزش اجباری است (مرزوقی؛ و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۴۰).
- تعلیم و تربیت غیررسمی بر مهارت‌ها و توسعه نگرش‌هایی مانند مدارا که برای موفقیت آینده فرد حیاتی است، تمرکز دارد. مطالعات نشان می‌دهد که نیازهای دانش‌آموزان با تعلیم و تربیت غیررسمی بهتر برآورده می‌شود که آنها را قادر می‌سازد خود و جهان را بهتر بشناسند. به‌طور کلی، تعلیم و تربیت غیررسمی بر دانش‌آموز متمرکز است، نسبت به نیازها و علایق دانش‌آموزان باز و منعطف است و به‌سرعت به نیازهای متغیر افراد و جوامع پاسخ می‌دهد. تعلیم و تربیت غیررسمی برنامه‌ای را دنبال نمی‌کند، در همه محیط‌ها اتفاق می‌افتد و یادگیری ناخودآگاه است. در تعلیم و تربیت غیررسمی مسئولیت یادگیری بر عهده خود فرد است. اشتباهات ارزشمند هستند و برای یادگیری حیاتی تلقی می‌شوند، اشتباهات بیشتر به معنای یادگیری بیشتر است. این شکل از آموزش در بیشتر موارد در دوستی‌ها، خانواده‌ها و محیط‌های کاری اتفاق می‌افتد. تعلیم و تربیت غیررسمی در مقایسه با تعلیم و تربیت رسمی، جایگزین مؤثری برای پیوند آموزش و توسعه ملی است. علاوه بر این، تعلیم و تربیت غیررسمی بر نیازهای زندگی واقعی یادگیرندگان متمرکز است و آنها را تشویق می‌کند (گرایچچی و شالا، ۲۰۱۶).

۲-۷- اثرات منفی تعلیم و تربیت غیررسمی

- ۱- به شکل سازمان‌نیافته درصدد انتقال یادگیری ضمنی و غیررسمی به مخاطبان‌اند.
- ۲- برنامه‌ریزی نشده و به شیوه‌های ضمنی اتفاق می‌افتد.
- ۳- بعضی از نهادهای تعلیم و تربیت غیررسمی در قبال ارائه خدمات هزینه دریافت می‌کنند و به‌صورت خصوصی است و افراد ضعیف از نظر اقتصادی از پرداخت هزینه‌ها در مضیقه هستند.
- ۴- بعضی از والدین از شرکت فرزندانشان در بعضی از برنامه‌هایی که توسط نهادهای غیررسمی صورت می‌گیرد ممانعت می‌کنند.
- ۵- شرکت بیش از حد دانش‌آموزان در برنامه‌های نهادهای غیررسمی مانند فضاهای مجازی موجب ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی و بلوغ زودرس می‌گردد.
- ۶- گاهی با فلسفه تعلیم و تربیت رسمی کشور نیز هم‌آوا نیست. تربیت رسمی را به چالش کشانده و اثربخشی آن را کم کرده است.
- ۷- معضلی که معمولاً در ساماندهی به امور داوطلبانه و مردمی در حوزه تعلیم و تربیت غیررسمی وجود دارد، بی‌توجهی به اقتضائات این حوزه است. باید توجه داشت که در نهادهای متولی آموزش و پرورش نیمه‌رسمی، باید به وجه «غیررسمی بودن» آنها و بیرون بودن از دایره تسلط وزارت آموزش و پرورش توجه کرد. نباید نگاه بالا به پایینی مندرج در نظام آموزش مدرسه‌ای را به این نهادها تسری داد و حتی نباید با این دید به آنها نگریست. معضلی که در توجه به تعلیم و تربیت غیررسمی - هرچند با نیت خیرخواهانه - ممکن است رخ بنماید و اثرگذاری این‌گونه از تعلیم و تربیت را مخدوش کند.
- ۸- توجه عمده سیاست‌گذاران کلان در امر تعلیم و تربیت به سمت تعلیم و تربیت رسمی (مدارس) است و این امر ناخواسته کم‌توجهی به تعلیم و تربیت غیررسمی را به دنبال داشته است.

- ۹- گاهی و نهادهای متولی تعلیم و تربیت غیررسمی متفاوت و گاه متضاد است و گاهی با فلسفه تعلیم و تربیت رسمی کشور نیز هم‌آوا نیست.
- ۱۰- تعلیم و تربیت غیررسمی از امکانات (فوق برنامه‌ها و امکانات رفاهی) معمولاً درخور نقششان بهره‌ای نمی‌برند.
- ۱۱- بودجه عمده حوزه تعلیم و تربیت به گونه رسمی آن اختصاص می‌یابد که آن هم بیشتر بر وجوه آموزشی تأکید دارد و وجوه پرورشی به واسطه برخی از اقتضائات و شرایط ذاتی و عرضی تعلیم و تربیت رسمی، کم‌رنگ و در حاشیه است. از این رو به نظر می‌آید لازم است از طریق بها دادن هر چه بیشتر به تعلیم و تربیت غیررسمی به‌عنوان مکمل فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش، توجه بیشتری به جنبه پرورشی برنامه‌ها صورت بگیرد. البته لازمه این امر، محدود نکردن آموزش و پرورش به جنبه آموزش و تقلیل ندادن این کل به وجه آموزشی آن است.
- ۱۲- دانش‌آموزان گاهی به‌صورت ارادی و گاهی به‌صورت تصادفی چیزهایی را کسب می‌کنند و بروز این‌گونه رفتارها منجر به رفتارهای تکانشی، هیجانی و خشونت در آنها می‌گردد.
- ۱۳- به تفاوت‌های فردی توجه نمی‌شود.
- ۱۴- به سبک زندگی ایرانی اسلامی بی‌توجه است.
- ۱۵- دارای عدم یکپارچگی و انسجام است.
- ۱۶- بی‌توجه به حفظ و ارتقای کرامت است (مرزوقی؛ و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۴۰).

۸- اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت رسمی

۸-۱- اثرات مثبت تعلیم و تربیت رسمی

- ایجاد تحرک اجتماعی برای افراد در طبقات مختلف اجتماعی، کمک به ایجاد نظم و انضباط و انسجام اجتماعی، تعمیم دانش‌ها و مهارت‌های اساسی زندگی، تسهیل دانش‌ها و مهارت‌های اساسی زندگی، تسهیل کسب انواع تخصص‌های مورد نیاز جامعه و کمک به گسترش روابط اجتماعی و ارتقای فرهنگ عمومی از اثرات مثبت تعلیم و تربیت رسمی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- ۱- افراد جامعه فرصت‌های مساوی آموزشی و پرورشی به دست می‌آورند.
- ۲- وحدت در زبان آموزشی عاملی برای وحدت ملی است.
- ۳- یکنواختی تصمیمات، افراد مهاجر را با مشکلات برنامه درسی روبرو نمی‌کند (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶).

۸-۲- اثرات منفی تعلیم و تربیت رسمی

- ناکارآمدی و پاسخگو نبودن نسبت به نیازهای اجتماعی، بازتولید نابرابری اجتماعی، گسترش فرهنگ غربی در سایر کشورها و مسلط کردن آن بر فرهنگ‌های دیگر، رواج مدرک‌گرایی و نگرش ابزاری به علم، تمرکزگرایی شدید و بی‌توجهی به خصوصیات متریبان و نیازهای بومی و محلی، یکسان‌نگری و حذف وجه تمایز خرده‌فرهنگ‌ها، تبعیت نهاد دانش از نهاد قدرت و رویکرد محافظه‌کارانه و انفعالی نسبت به نظام‌های سیاسی و پیروی از وضعیت موجود جوامع اشاره کرد (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷).
- از اثرات منفی دیگر تعلیم و تربیت رسمی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- ۱- به علت اتخاذ تصمیمات در مرکز، ابتکار و خلاقیت و نوآوری کاهش می‌یابد.
- ۲- تغییرات یا رفع مشکلات به‌خاطر بعد مسافت به‌کندی صورت می‌پذیرد.
- ۳- یکنواخت بودن تصمیمات نیازهای منطقه‌ای و محلی را کمتر برآورده می‌کند.
- ۴- دارای ساختار سلسله‌مراتبی است و دانش‌آموز نقشی در تصمیم‌گیری در محتوای درسی ندارد.
- ۵- امکان آزمایش و خطا کمتر است.

۶- سازگار با شرایط گوناگون یادگیرندگان نیست.

۷- در ارزشیابی‌ها برای فراگیران استرس و اضطراب به وجود می‌آید

۸- حرکت از بالا به پایین است.

در تربیت رسمی فعالیت‌های تربیتی موردنظر شکل‌دهنده ارزش‌ها، مهارت‌ها و شخصیت دانش‌آموزان است و انتقال دانش و بهسازی مهارت‌های آن عموماً مطابق با ترجیحات و خواسته‌های نهادهای رسمی صورت می‌گیرد.

۹- روش پژوهش

این مقاله جزء مقالات مروری و روش پژوهش آن، تحلیلی توصیفی مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و برای گردآوری اطلاعات، و داده‌ها به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است.

۱۰- نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت غیررسمی نه تنها به کسب دانش، بلکه به رشد شایستگی ارتباطی و هوش هیجانی دانش‌آموزان و معلمان کمک می‌کند؛ باید به یکی از اجزای مهم آموزش در کشور شود، ضروری است که مجریان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی آن را بیشتر ارتقاء دهند و اثربخشی آن را بهبود بخشند. در تعلیم و تربیت غیررسمی، فراگیران می‌توانند مستقیم‌تر درگیر شوند و بر آنچه آموزش داده می‌شود و نحوه تدریس آن تأثیر بگذارند. برنامه‌های تعلیم و تربیت غیررسمی از این جهت انعطاف‌پذیرتر هستند که هر گروه متفاوت از دانش‌آموزان می‌توانند بر زمان‌بندی، طول و مکان آنها تأثیر بگذارند.

آموزش و پرورش باید از فعالیت‌ها و تجربه‌های تعلیم و تربیت غیررسمی حس فوق‌العاده‌ای داشته باشد. باید به یادگیرندگان کمک کند تا با افزودن بینش جدید و دانش متفاوت آنچه را که قبلاً شناخته شده است به طور انتقادی بررسی کنند تا به آنها کمک کند که از خلاقیت خود را به طور مؤثرتری استفاده کنند.

باتوجه به اینکه تعلیم و تربیت افراد به شکل رسمی و غیررسمی در مکان‌های گوناگون همچون دانشگاه، مدرسه، محل کار و نظایر اینها همچون همایش‌ها، کنفرانس‌ها و فضاهای مجازی اتفاق می‌افتد باید در کنار هم و به صورت مکمل مورد توجه قرار گیرند و به هر دو موضوع اهمیت داده شود و اهداف تعلیم و تربیت غیررسمی باید مبتنی بر آرمان‌ها و اهداف بلندمدت و اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نقشه جامع علمی کشور باشد.

منابع

- حائری، علی. (۱۳۷۹). *شمیم تربیت*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
- حسینی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *مبانی تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- سروش، محمد. (۱۳۸۶). مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۳(۵)، ۵۵-۸۰
- قادری، محمد. (۱۳۹۸). مفهوم و مصداق تعلیم و تربیت در اندیشه ابن سینا. *همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی*. قابل دسترس در <https://sid.ir/paper/899937/fa>
- علاءالدین، سید محمدرضا. (۱۳۸۷). اهداف تعلیم و تربیت قرآنی در نگاه چهارده معصوم (ع). *فصلنامه کوثر*، ۲۷، ۱۱۱-۱۲۲
- کاووسی لرد، حسین، و پروایی مریان، محمدرضا. (۱۳۹۷). آشنایی با چیستی، انواع، اهداف، ویژگی، اصول و کارکردهای تعلیم و تربیت غیررسمی. *همایش استانی نقش تربیت غیررسمی در تعلیم و تربیت برنامه درسی پژوهش مبنا (از ضرورت تا التزام)*، رشت، قابل دسترس در <https://civilica.com/doc/808330>
- کرباسیان، قاسم. (۱۳۹۳). *اصول و روش‌های تربیت جوان مطلوب و رسانه ملی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ حیدری، الهام؛ و کشاورزی، فهیمه. (۱۳۹۶). *نگاهی به تعلیم و تربیت غیررسمی در ایران و جهان: مفاهیم، ویژگی‌ها و دستاوردها*. تهران: انتشارات آوای نور

مشکاتی، حسن. (۱۳۹۸). **تعلیم و تربیت اسلامی، (چیستی؟ چگونه؟)**. اصفهان: انتشارات سلام سپاهان

منصوری، منصور. (۱۳۹۵). نقش محتوای غیررسمی در تربیت دانش آموزان. **چکیده مقالات برگزیده همایش علمی تخصصی تربیت، قم: انتشارات مؤسسه منادی تربیت**

نعمانی، محمد. (۱۴۰۲). **باغستان: کندوکاوی در قلمرو تعلیم و تربیت**. تهران: انتشارات آوای نور

وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**. [گزارش]

وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). **مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران**. [گزارش]

Grajcevci, A., & Shala, A. (2016). Formal and non-formal education in the new era. *Action Researcher in Education*, 7(7), 119-130

Kedrayate, A. (2012). Non-formal education: Is it relevant or obsolete?. *International Journal of Business, Humanities and Technology*, 2(4), 11-15